

زندگینامه ایرج افشار^(۱)

عبدالحسین آذرنگ

ایرج افشار: ایران‌پژوه، کتاب‌شناس و از اعضای شورای عالی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. او از پراثرترین پژوهشگران معاصر ایران است و گستره پهناوری از فعالیتها، از جمله سردبیری چند نشریه فرهنگی و همکاری با آنها، کتابداری، فهرست‌نگاری، نسخه‌شناسی، تدریس دانشگاهی در داخل و گاه در خارج، مطالعات ایران‌شناسی، قاجارپژوهی، مدیریت انتشارات، همکاری در سطوح مختلف با نهادهای متعدد پژوهشی و ایران‌شناسی و کتابخانه‌ها و مراکز نسخه‌های خطی، از عرصه‌های تکاپوی فرهنگی - پژوهشی او بود. سلامت جسمی و روحی، جدیت و مداومت خستگی‌ناپذیر در کار، ساده‌زیستی و پرهیز جدی از اتلاف وقت، موجب شده که حاصل عمر او آثاری پرشمار اعم از کتاب، مقاله، تصحیح متون، انواع فهرستها، کتاب‌شناسی‌ها، نطق‌ها و خطابه‌ها، یادداشت‌ها و نوشته‌های دیگر باشد.

ایرج افشار در تهران و در خانواده‌ای یزدی و بافرهنگ زاده شد. پدرش محمود افشار یزدی از شخصیت‌های فرهنگی و ایران‌دوست زمان خود بود. ایرج در مدرسه‌های شاهپور و فیروزبهرام در تجریش و تهران تحصیل کرد و در ۱۳۲۸ ش از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته قضایی فارغ‌التحصیل شد. از ۱۹

سالگی در اداره امور مختلف مجله آینده دستیار پدرش بود و نخستین تجربه‌های اداره و انتشار نشریه‌ای فرهنگی را از این راه و با کار عملی آموخت. در دوره دانشجویی با مجله جهان نو همکاری کرد و در ۱۳۲۹ش در دبیرستانهای تهران به تدریس پرداخت و در ۱۳۳۰ش به دانشگاه تهران منتقل، و در کتابخانه دانشکده حقوق، که بزرگترین کتابخانه دانشکده‌ای ایران در آن سالها بود، به کتابداری مشغول شد و فنون کتابداری را از طریق عملی و تجربی آموخت. جدا از این وظیفه، مدتی سردبیری مجله مهر را به عهده گرفت (۱۳۳۲ - ۱۳۳۱ش) و با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان نزدیکش، که جملگی به شخصیت‌های فرهنگی برجسته‌ای در حوزه‌های تخصصی خود تبدیل شدند: محمّدتقی دانش‌پژوه، عباس زریاب خویی، منوچهر ستوده و مصطفی مقرّبی مجله فرهنگ ایران‌زمین را در ۱۳۳۱ش تأسیس کرد که انتشار آن تا این زمان ادامه یافته و از نشریه‌های معتبر در زمینه مطالعات ایرانی است.

ایرج افشار در ۱۳۳۳ش، زمانی که با کتابخانه ملی ایران همکاری داشت، نخستین دفتر کتابهای ایران را انتشار داد. این دفتر، سرآغاز تدوین و انتشار کتاب‌شناسی ملی بود، اثری که باید بازنمای رسمی کتابهای انتشار یافته در کشور باشد و تا آن زمان هیچ نهاد دولتی به نشر آن اقدام نکرده بود. کتابهای ایران فقط حاوی داده‌های کتاب‌شناختی کتابهایی بود که در ۱۳۳۳ش به زبان فارسی و داخل ایران منتشر شده بود. افشار، انتشار این فهرست سالانه را تقریباً به همان صورت تا ۱۳۴۵ش به مدت ۱۲ سال ادامه داد. به موازات این فعالیتها، مدتی (۱۳۳۵ - ۱۳۳۳ش) سردبیر مجله سخن و مدت طولانی‌تری هم (۱۳۴۰ - ۱۳۳۴ش) مدیر مجله کتابهای ماه بود.

در ۱۳۳۵ش، زمینه دیگری از فعالیتهای ایرج افشار آغاز شد. احسان یارشاطر، مدیر بنگاه ترجمه و نشر کتاب که به سبب اشتغالات علمی ناگزیر بود بیشتر ایام سال را خارج از کشور به سر برد، سمت قائم مقامی این بنگاه انتشاراتی نوین را به افشار سپرد و او نزدیک به ۷ سال اداره آن بنگاه را در غیاب مدیر آن برعهده داشت. افشار در ۱۳۳۵ش به فرانسه سفر کرد و در دوره‌ای آموزشی، که یونسکو بانی آن بود، با فن کتابداری جدید و موازین نوین و مبانی نظری علم کتاب‌شناسی آشنا شد. گذراندن این دوره و تحولات نگری حاصل از آشنایی با دستاوردهای تازه کتابداری و کتاب‌شناسی، به شاخه‌ای از فعالیتهای افشار شکل داد. او حدود ۷ سال، تا ۱۳۴۲ش، به چند کار مختلف، اما مرتبط دست زد. تدریس کتابداری جدید در دانشسرای عالی، مدیری و سردبیری مجله راهنمای کتاب، تأسیس باشگاه کتاب با همکاری یارشاطر، که با نام انجمن کتاب معروف است، و ارائه کردن خدماتی نو به دوستان و خوانندگان کتاب، انتشار نشریه نسخه‌های خطی با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه، مدیریت کتابخانه ملی برای مدتی و آغاز کردن فعالیتهای جدیدی در آن کتابخانه در زمینه سازماندهی نسخه‌های چاپی و خطی، مدیریت مرکز تحقیقات کتاب‌شناسی دانشگاه تهران و چند کار دیگر مرتبط با این فعالیتها که در ادامه مقاله به آنها اشاره خواهد شد.

جلد نخست فهرست مقالات فارسی، حاوی داده‌های کتاب‌شناختی ۶۰۰۰ مقاله به زبان فارسی در نشریه‌های ایران‌شناسی و فرهنگی ایران و خارج که افشار اندیشه تدوین آن را از سالها پیش از آن در سر داشت. در ۱۳۳۸ش انتشار یافت. این منبع مقاله شناخت که نشر آن، ولو به کندی، همچنان ادامه دارد، و جلد هفتم آن اخیراً (۱۳۸۹ش) انتشار یافته است، نخستین ابزار مقاله‌شناختی

فارسی بود که در اختیار پژوهندگان مطالعات ایرانی قرار گرفت و از جمله ابتکارهای ایرج افشار بود که گرچه قدر آن در آغاز کار در جامعه پژوهشی ایران درست شناخته نشد، اما با گذشت زمان، جایگاه خود را در مطالعات ایران پژوهی تثبیت کرد.

ایرج افشار در ۱۳۴۳ش مدیریت انتشارات دانشگاه تهران را به عهده گرفت و حدود ۷ سال در این سمت خدمت کرد. او در این نهاد، به سستی که به ویژه پرویز ناتل خانلری، مؤسس انتشارات دانشگاه، بنا نهاده بود، غنا بخشید و کوشید استقلال انتشاراتی دانشگاه را در برابر مداخلاتی حفظ کند که شماری از دانشگاهیان متنفذ به سود منافع شخصی خود، و برخلاف رویه‌های دانشگاهی اعمال می‌کردند. سال بعد، در دوره ریاست جهان‌شاه صالح بر دانشگاه تهران، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به او واگذار شد.

افشار تا چند ماه پس از انقلاب، جمعاً حدود ۱۴ سال، اهتمام اصلی و مهم‌ترین وظیفه‌اش ایجاد، سازماندهی و تکمیل نخستین و در عین حال بزرگترین کتابخانه مرکزی دانشگاهی در کشور بود. کوششهای او در این سمت، الگوی ایجاد کتابخانه‌های مرکزی در دیگر دانشگاههای ایران قرار گرفت. او ۲ سال پس از آغاز کار خود در کتابخانه مرکزی، مجله کتابداری را در ۱۳۴۵ش تأسیس و منتشر کرد. این سال، حدوداً با تأسیس دوره کارشناسی ارشد علوم کتابداری در دانشگاه تهران و شروع آموزش دانشگاهی مبحث کتابداری جدید در ایران مقارن بود، در ضمن، استفاده از متخصصان خارجی در سازماندهی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و بر پایه تازه‌ترین دستاوردهای جهانی کتابداری، پشتوانه مؤثری برای آغاز کتابداری دانشگاهی تازه تأسیس به شمار می‌رفت.

به‌رغم اختلاف نظرهای بسیار میان افشار و شماری از مروّجان اصول کتابداری جدید، که این دسته گاه به سبب ناآشنایی با ویژگی‌های فرهنگی جامعه خود، تفاوت‌های فرهنگی و ظرایف بومی را از نظر دور می‌داشتند، تداوم و گسترش فعالیتهای کتابداری و کتاب‌شناسی افشار، تأثیرهای خود را بر کارهای پژوهشی و فرهنگی، و به‌ویژه در مطالعات ایرانی، به‌تدریج نشان داد (نک: ادامه مقاله).

ایرج افشار در ۱۳۴۸ش برای تدریس اسناد تاریخی و تاریخهای محلی ایران به گروه تاریخ در دانشکده ادبیات تهران دعوت شد. او حدود ۱۰ سال، تا زمان بازنشستگی‌اش از دانشگاه تهران، نخست با مرتبه دانشیاری و سپس استادی، به تدریس در آن گروه ادامه داد، ضمن اینکه استاد درس شناخت نسخه‌های خطی در رشته علوم کتابداری همان دانشگاه هم بود و شماری از کتابداران، کتاب‌شناسان و نسخه‌شناسان امروز کشور، که دوره تخصصی کتابداری را گذرانده‌اند، با شرکت در دوره‌های درسی ایرج افشار درباره شناخت نسخه‌های خطی، برای نخستین بار با جنبه‌ای مغفول از میراث تمدنی، که کتابداری اقتباسی و تقلیدی تا سالها به اهمیت و جایگاه آن کم‌توجه بود، آشنا شدند.

از ۱۳۴۸ش تا حدوداً ۱۰ سال بعد، ایرج افشار به چند کوشش فرهنگی و تأثیرگذار دیگر دست زد، از جمله برگزاری ۹ کنگره پیاپی تحقیقات ایرانی در شهرهای مختلف دانشگاهی کشور با حضور شماری از ایران‌شناسان خارجی و پژوهشگران ایرانی، و نیز با مدیریت مجله ایران‌شناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در کنار اینها، فعالیتهای فردی افشار در زمینه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، کتاب‌شناسی، تصحیح و انتشار اسناد و متون تاریخی و دنبال

کردن علاقه‌های شخصیش در بخشهایی از تاریخ ایران، به‌ویژه دوره جدید تاریخ قاجار و از انقلاب مشروطه ایران به بعد، ادامه داشت که حاصل آن چندین اثر اوست (برای جزئیات و صورت آثار، نک: افشار، بابک؛ و دیگران، ۲۴ - ۲۰).

پس از انقلاب ۱۳۵۷ش، و آغاز دوره بازنشستگی ایرج افشار، مرحله تازه‌ای از زندگی و فعالیت‌های پژوهشی، فرهنگی و انتشاراتی او آغاز شد که تا چند ماه پیش از بیماری شدیدی که به مرگ او در ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ انجامید، ادامه یافت و ثمره آن شاید از جهاتی پربارتر و متنوع‌تر از پیش بود. آزاد شدن افشار از تعهدات شغلی و بیشتر شدن اوقات فراغت او، عامل اصلی همین تکثر و تنوع آثار منتشر شده او از انقلاب به بعد بود. افشار انتشار مجله آینده را، که پیشتر پدرش انتشار می‌داد، از سر گرفت. این مجله که کم و بیش ادامه‌دهنده مشی مجله راهنمای کتاب بود، تا ۱۳۷۲ ش ادامه یافت، اما به سبب موانع انتشار نشریه‌های فرهنگی بی‌بهره از یاران‌ها متوقف شد. افشار مسئولیت انتشارات را در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار خود به عهده گرفت و به گردآوری و انتشار کتابها و مقاله‌های پژوهشی در سلسله انتشارات این بنیاد در زمینه مطالعات ایران‌شناسی ادامه داد.

ایرج افشار از اعضای شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بود و گذشته از مشارکت در برنامه‌های پژوهشی این مرکز، به‌ویژه در زمینه مسائل ایران‌شناسی، بر فعالیتها و برنامه‌های کتابخانه‌ای و اسنادی این مرکز نظارت داشت.

ایرج افشار به تألیف کتاب و مقاله، شرکت در همایشهای داخلی در زمینه مسائل ایران‌شناسی و کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، نگارش مرتب و مداوم نکته‌ها

و یادداشتها در همه زمینه‌های مورد علاقه‌اش و انتشار آنها به‌ویژه در مجله بخارا، نظارت بر تدوین فهرست مقالات فارسی و تکمیل و تداوم انتشار مجلدات آن، نظارت بر انتشار آثار متعدد در گستره مطالعات خود، همچنان ادامه می‌داد. بنا به برآوردها، تا این زمان نزدیک به ۳۰۰ کتاب در زمینه‌های ایران پژوهی، نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی، فهرست‌نگاری، قاجارشناسی، رجال‌شناسی، اطلاع‌رسانی فرهنگی، متون کهن فارسی و شاید بیش از ۲۰۰۰ مقاله و یادداشت از او در همین زمینه‌ها و نیز درباره رجال فرهنگی ایران در دوره معاصر، ایران‌شناسان خارجی، معرفی و نقد کتاب، نکات و اسناد تاریخی، جغرافیای تاریخی، باستان‌شناسی، سفرنامه، گاه‌نکات ادبی و عرفانی، با تأکید بر ارزش‌های ادبی و زبان فارسی، انتشار یافته است و شماری نیز آماده انتشار است. از تکتُر و تنوع این همه آثار، شاید در وهله نخست این‌طور به نظر برسد که ایرج افشار در زمینه‌های پراکنده‌ای کار کرده است. بررسی دقیق‌تر آنچه به قلم و اهتمام او انتشار یافته است، نشان می‌دهد رشته پیوسته‌ای که این همه مهره را به هم پیوند می‌دهد، چیزی جز اطلاع‌رسانی فرهنگی در زمینه مطالعات ایرانی نیست. تأکید افشار بر تدوین و انتشار منابع ردیف سوم و دوم اطلاعاتی، مانند کتاب‌شناسی کتاب‌شناسی‌ها و انواع کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌ها، گاه‌گشودن و گاه‌هموار کردن راه پژوهشگران مطالعات ایرانی است. تلاشهای افشار در این زمینه، درخور مطالعه‌ای خاص در مبحث اطلاع‌رسانی فرهنگی و راه و روشهای خاص او در این زمینه است. تخصص و اطلاعات شخصی افشار در زمینه رویدادها و رجال ایران از دوره مشروطیت به بعد، موجب شده است که جنبه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی در کار او درباره رویدادها و رجال این دوره از غنای بیشتری برخوردار

باشد. مجموعه اطلاعاتی که افشار از منابع مختلف درباره سید حسن تقی‌زاده، از رهبران جنبش مشروطه، گردآوری کرده و انتشار داده است، جدا از ارزش‌های خاص آن درباره شناخت خود تقی‌زاده، از بارزترین فعالیت‌های او در زمینه اطلاع‌رسانی فرهنگی معاصر ایران است. مجموعاً نوشته‌ها، یادداشت‌ها، اشاره‌ها و گردآورده‌های او درباره دکتر محمد مصدق، گرچه نه در حد آثار مربوط به تقی‌زاده، نمونه دیگری از کوشش گسترده او در قلمرو اطلاع‌رسانی فرهنگی معاصر است.

جنبه دیگر کمتر شناخته شده تکاپوهای فرهنگی افشار، ارائه مشورت‌های فرهنگی - پژوهشی و پیشنهادهای او به شمار کثیری از ایران‌شناسان و نهادهای ایران‌شناسی خارجی و پژوهشگران و دانشجویان و نهادهای ایران‌پژوهی و کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی داخلی و خارجی بود. افشار در رهنمود دادن و هدایت بسیاری از پژوهش‌ها، جست‌وجوها، پایان‌نامه‌های دانشگاهی - همایش‌های فرهنگی - پژوهشی و ایجاد ادبیات مربوط به این حوزه‌ها سهم مؤثر داشت و در عین حال به‌سان حلقه رابطی میان روندهای پژوهشی ایران‌شناسی داخل و خارج کشور عمل می‌کرد. سهم پیدا و ناپیدای او در این عرصه، تا خاطرات بهره‌مندان از همکاری او منتشر نشود و به اطلاع عموم نرسد، طبعاً ناشناخته باقی خواهد ماند.

ارج‌نامه ایرج (به کوشش محسن باقرزاده، تهران، ۱۳۷۷ش، ۲ج) در گرامی‌داشت خدمات ایرج افشار و حاوی نکاتی چند در شناخت بهتر خود او و آثار اوست. مجموعه دیگری با عنوان ایران و مطالعات ایرانی، مقاله‌هایی به افتخار ایرج افشار^(۲) (به کوشش کامبیز اسلامی کتابدار دانشگاه پرینستن، حاوی

۲۱ مقاله به انگلیسی و یک مقاله به فرانسوی، به قلم ایران‌شناسان خارجی و چند تن از استادان ایرانی دانشگاه‌های خارج، پرینستن، ۱۹۹۸م/۱۳۷۷ش) در بزرگداشت خدمات و آثار اوست. ایران‌شناس مجله نگار: زندگی و کارنامه مطبوعاتی ایرج افشار (اثر سیدفرید قاسمی، تهران، ۱۳۸۹ش) کارنامه مطبوعاتی نزدیک به ۶۰ سال حضور او در انواع نشریه‌های فارسی‌زبان و فرهنگی است.

ایرج افشار از ایران‌گردان اندک‌شماری بود که سراسر خاک ایران و بخش‌های مهم نواحی فارسی‌زبان خارج از ایران را در قلمرو مرزهای ایران فرهنگی سواره و پیاده، با مطالعات قبلی و آگاهی از ارزش‌های آنها، گاه همراه با افراد مطلع و محلی و گاه به‌تنهایی، دیده، درباره آنها یادداشت‌برداری کرده، و از آنها عکس گرفته و بخشی از یادداشت‌ها و عکسها را در نشریه‌های مختلف انتشار داده است. مشاهدات و روایت‌های او در این باره، شاید از برخی جهات از منابع دست اول مطالعات ایران‌گردی به‌شمار آید.

دقتهای علمی و پژوهشی افشار در حوزه مطالعات خود، طی زمان و با افزایش دانش و تجربه او بارزتر شد و مخالفت‌ها با او و انتقادهای بر آثار و یادداشت‌ها و دیدگاه‌های او، چه شخصی و چه غیر شخصی، در نوشته‌های پژوهشی‌اش درباره آثار و اشخاص و نیز همان مخالفان و منتقدان، تأثیر نمی‌گذاشت.

ایرج افشار کتابخانه شخصیش را، که مجموعه‌ای غنی و تخصصی به‌ویژه در زمینه کتاب‌شناسی و ایران‌شناسی است، به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی هدیه کرده است. این مجموعه حدوداً بالغ بر ۳۰۰۰۰ فقره خطی و چاپی است. از این تعداد، جز کتابها و مجلدات و نشریات، حدود ۶۰۰۰ فقره شامل جزوه،

رساله، برگرفته، جدانشرها از مجموعه‌ها و نشریات است که شمار بسیاری از آنها حاوی اطلاعات باارزش و گاه کم‌نظیر است. بیش از ۱۰۰۰۰ قطعه عکس از شخصیت‌ها، بناها، آثار تاریخی، مناظر و جز آن که ایرج افشار شخصاً برداشته و شماری از آنها در نوع خود تصویرهایی منحصر به فرد است، و حدود ۱۰۰۰۰۰ نام‌هم از رجال معاصر، از ایران‌شناسان خارجی، شخصیت‌های فرهنگی ایرانی از صنوف مختلف، که بخشی از آنها ارزش‌های تاریخی و ادبی دارد، جزو همین مجموعه است. در ضمن چند مجموعه که صاحبان اصلی آنها در اختیار ایرج افشار قرار داده و او را درباره مجموعه مخیر شناخته بودند، مانند مجموعه متعلق به سید حسن تقی‌زاده و اللهیار صالح، حاوی بسیاری مطالب باارزش تاریخی و پژوهشی، جزو مجموعه اهداشده ایرج افشار به مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی است. (اطلاعات مربوط به مجموعه اهدایی، به نقل شفاهی از عنایت‌الله مجیدی، مدیر کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی).

ایرج افشار شماری از مقاله‌ها و نوشته‌هایش را با نام مستعار امضا کرده است. از جمله نام‌های مستعار او الف. جویا؛ ساسان؛ کریم محمدی است (مافی، ۲۲۳). امضای او گاه با اختصار «افشار» و «ا.ا.» آمده است.

ایرج افشار پس از چند ماه نبرد با بیماری مرگ‌زای سرطان خون، در ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ در تهران درگذشت. پیکرش طی مراسم با حضور شمار فراوانی از دوستان، دوستانان و شخصیت‌های فرهنگی و علمی کشور تشییع و در مقبره خانوادگی تدفین شد.

یادداشت‌ها:

۱. این مقاله در اصل برای درج در جلد چهارم دانشنامه ایران نوشته شده است که جلد سوم آن زیر چاپ است و در اوایل سال ۱۳۹۰ انتشار خواهد یافت. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی) که تهیه‌کننده و ناشر دانشنامه ایران است، به مناسبت درگذشت استاد ایرج افشار پیش‌چاپ آن مقاله را به حضور دوستداران آن مرد بزرگ تقدیم می‌دارد.

2. Iran and Iranian Studies, Essays in Honour of Iraj Afshar.

مآخذ:

منابع یاد شده در متن؛ اطلاعات شخصی و مستقیم مؤلف این مقاله؛ افشار، بابک؛ و دیگران، فهرست موضوعی از چاپ‌کرده‌ها و نوشته‌های ایرج افشار، ج ۴، لوس‌آنجلس،

۲۰۰۳م/ ۱۳۸۲ش؛

مافی، عباس، نامهای مستعار، تهران، ۱۳۸۱ش.